

# کارگر پیشتاز

. کنترل کارگری بر تولید و توزیع! . افزایش دستمزدها متناسب با تورم! . دفاتر دخل و خرج باز گردد!

سایر مقالات

کودکان کار صفحه ۳

اولین انقلاب کارگری صفحه ۲

محیط کار یا قتلگاه کارگران

تنها در ۷ روز گذشته، حوادث کارگری دستکم جان ۱۲ کارگر را گرفته و بر اساس آمارهای دریافتی بیش از ۲۰ کارگر در شرایط وخیم جسمی ناشی از حوادث به سر می‌برند که از دلخراش‌ترین آن می‌توان به انفجار پالایشگاه نفت تهران اشاره نمود. کارگران در محیطی به قتل می‌رسند که از ابتدایی حقوق نیز برخوردار نیستند، کارگرانی که ناگزیر به امضاء قراردادهای موقت و سفید می‌شوند. قراردادهایی که در عمل در ماهیت آن نقشی نداشته، تماماً توسط استثمارگران طبقه کارگر به آن‌ها تحمیل می‌شود و طبعاً خالی از تضمین بیمه و حوادث ناشی از کار است. افزایش روند کشته شدن زحمتکشان نخست نشانگر بی‌توجهی قبیحانه رژیم سرمایه‌داری به حقوق کارگران و فراهم نمودن امنیت شغلی برای آنان و افشاگر بطالت و بیکارگی نهادها و تشکلات کارگری است .... بقیه در صفحه ۴

## نگاهی به سیر رو به رشد جنبش کارگری و فقدان اهرمی برای انسجام جنبش!

در ماه‌های اخیر جامعه‌ی ایران شاهد پیشرفت بسیار چشم‌گیر جنبش کارگری و متحدانش به شکل خود انگیخته‌اش بوده است که نمادها و مهم‌ترین نمونه‌ی آن‌ها که بیش از همه در جامعه و حتی رسانه‌های حکومت هم خبر ساز شد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران دو کارخانه‌ی بزرگ هپکو و آذر آب در اراک و موجی از اعتصابات روزانه‌ای که در اقصی نقاط کشور رخ می‌دهد، به طوری که حتی فهرست کردن و نام بردن از آن‌ها کاری بسی دشوار است بوده ایم که شدت رادیکالیسم درونی این حرکات و خصوصاً دو نمونه‌ی بالا به چنان حد قابل توجهی افزایش یافته بود که کارگران برای تحقق کوچکترین خواست‌های خودشان نظیر دریافت ماه‌ها حقوق معوقه، اقدام به بستن قهرمانانه‌ی جاده‌ها و اشغال محیط کارخانه و به رخ کشیدن قدرت جمعی خود به رژیم تا دسته در عمق فساد فرو رفته کردند و دیدیم که چگونه جمهوری اسلامی‌ای که همیشه ژست و شعار دفاع از مستضعفین و فرودستان سر زبان‌هایش بود برای خاموش کردن این آتش اعتراضی مانند همیشه و از روی ترس و وحشت از ماهیت خروشان این اعتصابات و فراگیر شدن دامنه‌ی اعتصاب به نقاط دیگر برای خاموش کردن آن به دستگاه امنیتی ارباب و خشونت معروفش متوسل شد و برای مثال شاهد بر خورد وحشیانه‌ی اش پس از شناسایی رهبران اعتصاب‌ها با آن‌ها و تبدیل مراکز صنعتی به محل رزمایش و مانور نظامی دستگاه سرکوبش بوده ایم. و در عین حال در کنار اعتصابات عمده و تاثیرگذار کارگری موجی از حرکت‌های اعتراضی قشرهای مختلفی از زحمتکشان زیر خط فقر جامعه مانند تظاهرات بازنشستگان کشوری و لشگری و معلمان و پرستاران در مقابل نهاد‌های دولتی، و بخصوص کوهی از تجمعات مختلف مالباختگان بانکی توسط موسسات دزد و غارت‌گر سرمایه‌داری نظیر کاسپین، البرز ایرانیان، ثامن الحج و... که به بلعیدن پول سپرده‌گذاران پرداخته‌اند و نشان از بحران عمیق اقتصادی و پولی رژیم می‌باشد و در شهرهای مختلف کشور این

## به مناسبت اولین انقلاب کارگری در جهان

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه

انقلاب اکتبر، تاریخ سازترین واقعه قرن بیستم، و نقطه عطف آزادی و شکستن یوغ بردگی به دستان طبقه زحمتکش، و به رهبری پیشتازان این طبقه بود. واقعه ای که با درس گرفتن از کمون پاریس احیاگر خط مشی این جنبش و مترجم عینی علم مارکسیسم در پراتیک انقلابی بود.

انقلابی که ابتدا تن بورژوازی روسیه، و پس از آن نیز بیکر سرمایه داران جهانی را لرزاند. تا در این مسیر نوید بخش نه آزادی های اجتماعی و صرفا در چهار چوب بورژوازی بلکه آزادی هایی فارغ از طبقات و یوغ سنگین سرمایه باشد.

این وقایع میسر نمی شد مگر با عزم و اراده آهنین پیشتازان انقلابی و در صدر تمامی آنان ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبری که با پیروی از تئوری مارکسیسم آموزه های نوین انقلابی خویش را طرح ریزی کرد تا حزبی با کم ترین ضعف بسازد، حزبی که پرچم سرخ را پیروز عرصه جنبشی عظیم ۱۹۱۷ سازد.

نباید از یاد برد، که فداکاری ها و از خودگذشتگی های رفیقانه قهرمانان انقلاب کلیدی ترین عنصر پیروزی انقلاب کبیر اکتبر بود. انقلابی که تجربه هایش تا امروز پس از گذشت ۱۰۰ همچنان راهنمای پیشتازان انقلابی هر ملت است.

تجمعات روز به روز رادیکال تر و سازمان یافته تر می شوند؛ و از طرفی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ای را شاهد بوده و هستیم که بعضا برای حداقل ترین خواست های خود به عنوان یک زندانی به آن دست می زنند که توسط این حکومت پلیسی از آن ها سلب شده است و حمایت محکم قشرهای مختلفی از جامعه، به خصوص جوانان و جنبش دانشجویی از زندانیان سیاسی در بند، تجمعات مختلف اعتراضی ای مانند تجمعی که روبروی مجلس و با سازماندهی سندیکای شرکت واحد در رابطه با آزادی آقای رضا شهابی انجام شد، روبرو شدیم و توانست تاثیر گذار باشد.

با تمام این احوال و با توجه به لیست بلند بالایی از موج خروشان از تحریکات اعتراضی که حتی مجال نامبردن آن ها در این متن نیست و با چشمان خودمان نظاره گر این فاکت ها و واقعیات عینی هستیم که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران نه تنها توان پاسخگویی به این اعتراضات و احقاق حقوق ها را ندارد بلکه بر عکس بدلیل بحران های ادواری حاصل از سیاست های هرچه بیشتر ضدکارگری نئولیبرالی که با کمک نهاد های بین المللی در این راستا شکل گرفته، مناسبات اقتصادی سرمایه داری ایران به چنان بن بست رسیده است که حتی توان پرداخت هزینه ی نیروی کار خریداری شده توسط کارفرما برای تجدید حیات نیروی کارگر برای پاسخگویی به حداقل ترین نیازهای معیشتی کارگران و بازتولید این چرخه را ندارد و عملا بیش از ۹۰ درصد اعتصابات کارگری در جهت دریافت حقوق معوقه که بعضا حتی این دستمزد های معوقه به بیش از ۵-۶ ماه می رسد است.

اما به دلیل وجود گسترده ی ارتش ذخیره ی صنعتی یعنی همان بیکاران پر شمار جامعه، سرمایه داران و صاحبان نیروی کار با کمک های بی نظیر دولت سرمایه داری از طریق قوانین ضد کارگری کار، سطح دستمزد ها را به پایین ترین حد خود تقلیل داده اند و بسیاری از امتیازات نظیر حق بیمه و تامین امنیت کار هم به طور مداوم نقض و زیر پا گذاشته می شود و طبیعتا تجزیه و پراکندگی طبقه کارگر هم کاملا به این اقدامات کمک می کند.

حال با تمام این تفاسیر و در مقاطعی که در جامعه ایران، هستی طبقه حاکم و مناسبات اقتصادی- اجتماعی مختص به آن بیش از هر مقطع دیگر در سالهای اخیر در تضاد کامل با منافع جامعه و اکثریت عظیم مردم قرار گرفته است و توازن قوای کار بیش از همه به سوی قوای سرمایه است؛ فقدان یک عامل اساسی که در حقیقت بدون وجود آن جنبش کارگری و اعتراضات اجتماعی هر چه قدر هم که به لحاظ عینی سمت و سوی استراتژیک، حیاتی و تعیین کننده به خود گیرند، در مراحل حساس اعتلای انقلابی توان دفاع از منافع طبقاتی خود و سرنگون ساختن سلطه ی طبقه سرمایه دار را ندارد و بازهم مانند نمونه ی دردناک انقلاب ۱۳۵۷ حرکت عظیم

و تاریخی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و اعتصابات عمومی بی وقفه و سپس قیام توده ای پیروزمند ۲۱-۲۲ بهمن که به سرنگونی بورژوازی آریامهری انجامید، به دلیل فقدان یک حزب و تشکیلات منسجم و پیشتاز انقلابی و نبود یک استراتژی واحد، سرنوشت این انقلاب به بیراهه کشیده شد و شاهد بودیم که چه ضد انقلاب وحشتناکی از دل آن بیرون خزید!

پس پیش به سوی اتحاد و تشکل طبقه کارگر به شکل یک طبقه ی برای خود، که آنهم فقط توسط یک حزب پیشتاز انقلابی متشکل از آگاه و پیشروترین بخش از طبقه کارگر و همچنین جوانان کمونیست میسر است که با پیوند این جنبش ها و حرکات پراکنده و با دخالت گری فعال و آگاهانه در جنبش کارگری به بهترین نحو ممکن به امر حیاتی و سرنوشت ساز تدارک انقلابی بپردازند.

## کودکان کار و طرح سامان دهی آنها

پدیده کار کودکان که از تراژدی های چندین ساله تاریخ بشریت است تا به امروز نیز در مقابل بسیاری از قانون ها، منشورها، مصوبات و غیره سرسختی نشان می دهد زیرا دست پرتوان مالی بورژوازی همواره از حامیان آن بوده و به طور مداوم به منافع این طبقه در راستای انباشت بیشتر سرمایه گره خورده است. هرچند بورژوازی می کوشد تا با ارائه مجموعه طرح ها (نظیر طرحی که در ادامه خواهید آمد) و مؤسسات خیریه و حامی کودک سیمای پلشت خود را «خیرخواه» و «نیکوکار» جا بزند.

کمتر کشوری وجود دارد که با چنین معضل عظیمی دست و پنجه نرم نکند هرچند که زمینه ها و عوامل گسترش و همچنین شیوه های مقابله با آن در جوامع گوناگون متفاوت است. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و این معضل ناشی از نابرابری طبقاتی، روندی به شدت افزایشی داشته است. طبق آمارهای رسمی بیش از ۲ میلیون و بر مبنای آمارهای غیررسمی بیش از ۷ میلیون کودک کار در سطح کشور وجود دارد که بنا به اظهارات معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی نصف جمعیت مذکور تابعیت ایرانی ندارند و میانگین سنی آنها ۱۲ سال برآورد گردیده است.

بنا بر آمارهای دریافتی قسمت اعظم این کودکان، به اصطلاح کودکان خیابانی اند و امور نظیر دستفروشی، گل فروشی، شیشه پاک کنی و کارهایی از این قبیل مشغول اند. جمعیت کودکان زباله گرد ۱۲۰ هزار نفر برآورد گردیده که به دلیل سختی کار و طاقت فرسا بودن آن، عده کمتری در قیاس با جمعیت چند میلیونی این کودکان به آن روی می آورند. جدا از سختی کار این کودکان و محرومیت اکثریت آنها از تحصیل، بنا به گفته مسئولین حکومتی ۹۰ درصد کودکان کار مورد آزار و تعرض جنسی قرار می گیرند.

وضعیت کودکان کار خارجی که عمده آنان افغانی یا پاکستانی اند به مراتب اسفناک تر گزارش شده و بر اساس گزارشات بیشتر آنان در حاشیه شهرهای بزرگ در محیطهایی خالی از ابتدایی ترین امکانات بهداشتی در نزدیکی مراکز تفکیک زباله در آلونک هایی زندگی به سر می برند که جایگاه بیشتر افراد بی خانمان نیز هست. افرادی که خطری جدی برای چنین کودکانی محسوب خواهند شد و امکان سوق دادن تمامی کودکان کار به بزهداری نیز در چنین مناطقی شدت بیشتری می یابد.

با وجود تمامی چنین معضل های بزرگ و ناراحت کننده ای که ریشه در نابرابری ها و کم کاری های حکومت دارد، ابتکار مسئولین دولتی منجر به ارائه و اجرایی گشتن طرحی تحت عنوان سامان دهی کودکان گشته که مصوبه شورای اجتماعی البته با مشارکت ۱۱ نهاد دولتی است. که شهرداری تاکنون وظیفه تشخیص و جمع آوری این کودکان و سازمان بهزیستی نیز وظیفه استقرار و به نوعی اسکان آنها را به عهده گرفته اند. این طرح از اردیبهشت ماه سال جاری در شهرهای بزرگ (به علت تمرکز بیشتر جمعیت این کودکان) شدت یافته و در اصل به معنای دستگیری کودکان و زدودن فضای شهر از این کودکان رنج کشیده است.

فعالین حوزه کودک، این اقدام را ضربتی خوانده و اکثریت آنان خواستار لغو فوری این طرح و خواستار جایگزین ساختن طرح هایی ریشه ای و بنیادی شدند. این فعالین در دیدار با کودکان استقرار یافته وضعیت بیشتر کودکان را اسفبار،

بهرحمانه و زندان مانند گزارش داده‌اند تا جایی که بیشتر کودکان به‌طور مداوم خواهان بازگشت به کنار خانواده‌های خود هستند. اکثریت این کودکان تنها تأمین‌کننده منابع مالی خانواده‌گان خود هستند و دستگیری آنان موجب بروز اختلال در وضعیت معیشتی همه اعضا خانواده‌شان خواهد شد. بنا بر آمارهای تهیه‌شده ۴۱ درصد از این کودکان مطلقاً بی‌سواد تشخیص داده‌شده‌اند.

گرچه شهرداری از موافقان سرسخت این طرح است اما خود، در رأس استعمار کنندگان کودکان کار در امر بکارگیری آنان در تفکیک زباله تا مرحله بازیافت آن است. که از پرخطرترین و سخت‌ترین کارها نه‌تنها برای کودکان بلکه حتی برای بزرگسالان محسوب می‌شود. کودکان با حمل قریب به ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم زباله در روز و آمیخته شدن زندگی روزه مره شان با زباله‌ها در محض آلودگی و خیم‌ترین بیماری‌ها به‌خصوص بیماری‌های پوستی و واگیردار هستند.

گرچه این طرح با بودجه‌ای ۲۰ میلیاردی مطرح گردیده اما با نظر به شکست‌های پیاپی‌اش در طول ۳۰ بار برگزاری آن در دوره‌های پیشین بازهم امیدوارکننده نیست.

دفاع از کودکان خیابانی و مبارزه برای بهبود وضعیت اسفبار کنونی آنها، بر عهده کارگران پیشتاز و مبارزان ضد سرمایه داری است. در محلات باید کمیته‌هایی متشکل از فعالان کارگری ایجاد شود و تعاونی‌ها برای کمک رسانی به کودکان خیابانی و خانواده‌های آنها بوجود آید. تنها با متشکل شدن و دخالتگری مستقیم است که ما می‌توانیم مشترکاً به مقابله با دولت سرمایه داری برخیزیم!

### محیط کار یا قتلگاه کارگران (از صفحه ۱)

و همچنین مهر تأییدی بر ضرورت ایجاد هسته‌ها و تشکلات بر طبق برنامه‌ای کارگر محور بر مبنا اتحاد عمل و درنهایت سازمان‌دهی این طبقه جهت براندازی حکومت سرمایه‌داری است.

کمیته اقدام مشترک کارگری ضمن هم‌دردی با خانواده قربانیان و طبقه رنج‌دیده کارگران، مناسبات سرمایه‌داری و عاملین آن را مسئولین حوادث اخیر قلمداد کرده و دست کارگران پیشرو را در جهت فعالیت برای احقاق حقوق زحمتکشانشان و همچنین در وهله نخست ایجاد فضای امن کاری می‌فشارد.

برای قطع و کاهش این حوادث ناگوار، کارگران پیشرو باید خود را متشکل کنند. ایجاد هسته‌های مخفی کارگری برای سازماندهی تنها راه مقابله و افشای این فجایع است.

پیش به سوی ایجاد هسته کارگری مخفی برای سازماندهی و مقاومت!

	<a href="https://t.me/actioncommittee">telegram.me/actioncommittee</a>
	<a href="https://facebook.com/workers.action.committee/">facebook.com/workers.action.committee/</a>
	<a href="https://eghdamkargaari.wordpress.com">eghdamkargaari.wordpress.com</a>
	<a href="mailto:Komite.eghdam.2015@gmail.com">Komite.eghdam.2015@gmail.com</a>

با مادر تلگرام تماس بگیرید: @komitehe1eghdam